

شماره رای: ۳۶/د/۸۸/۲۵/۲۳۴

تاریخ صدور رای: ۱۳۸۹/۷/۲۶

کلیدواژه ها:

ارسال پرسش های داور برای طرفین؛ رعایت حق دفاع و اصل ترافع؛ ضرورت تشکیل جلسه داوری؛ تفسیر قرارداد به زیان تنظیم کننده؛ نمونه رای داوری؛ اشتغال یقینی، برائت یقینی؛ استرداد دعوا؛ فراغ داور از رسیدگی توامان؛ ابلاغ با پست الکترونیکی.

خواهان: شرکت پارس (سهامی خاص)

خواسته: مطالبه مبلغ ۲۵۴/۹۷۷/۶۴۷ ریال هزینه لبارداری و تخلیه کالا

مرجع رسیدگی: داوری در اجرای قانون اساسنامه مرکز داوری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران (مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۱۴)

داور پرونده: دکتر مجید پوراستاد

مقدمه

الف) پیشینه اختلاف

۱- شرکت خواهان طی نامه شماره ۸۸/۲/۷۷۱ مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۰ به مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران به استناد دو فقره قرارداد، رسیدگی به اختلافات خود با خواندگان را از طریق داوری درخواست می کند. از یک سو به استناد قرارداد شماره ۸۶/م/۲۳۹۷ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۰ که با خواننده ردیف اول (شرکت تماس) به عنوان شخص حقوقی تنظیم و از سوی دیگر، به استناد قرارداد شماره ۸۶/م/۲۴۶۷ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۲۴ که با خواننده ردیف دوم (آقای منوچهر) به عنوان شخص حقیقی منعقد شده است. شرکت خواهان بر اساس هر دو قرارداد، مدعی شده است که با وجود انقضای بیش از یکسال از اتمام قراردادها، خواندگان هنوز مقداری کالا در انبار شرکت خواهان دارند که فضایی بالغ بر ۱۰۸ متر مربع را اشغال کرده است اما از دریافت صورتحساب ماهیانه و پرداخت وجه انبارداری خودداری می کنند و در نهایت، بدهی خواندگان را بالغ بر ۱۷۰ میلیون ریال (هفده میلیون تومان) اعلام می کند.

۲- با توجه به محتویات پرونده، لایحه و پاسخ مکتوبی از خواننده ردیف دوم (آقای منوچهر) موجود نیست. اما شرکت خواننده طی لایحه شماره ۷۸۸ مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۳ دفاعیات خود را به شرح زیر بیان می کند:

الف- شرکت خواهان قرارداد را با یک الحاقیه از ۱۳۸۷/۴/۲ تا ۱۳۸۸/۴/۲ تمدید کرده است اما پس از گذشت ۲۶ روز از آن طی نامه شماره ۸۷/م/۷۴۱ مورخ ۱۳۸۷/۵/۱۶ قرارداد مذکور را فسخ می کند؛

ب- برخلاف ادعای شرکت خواهان، اجاره بهای انبار تا پایان مهرماه ۸۷ تسویه و پس از اعمال فشار شرکت خواهان محل انبار تخلیه شده است اما شرکت خواهان مانع از خروج ۱۷ تن از مواد اولیه (قابل استفاده در صنعت قطعه سازی) شده و در نهایت، پس از دو سال کالای مذکور فاسد شده است و دیگر قابل استفاده نیست؛

پ- به علت تحمل این جابجایی ناخواسته، ۵۶۰/۰۰۰/۰۰ ریال (پنجاه و شش میلیون تومان) خسارت مالی متوجه شرکت خواننده شده است و تقاضای رسیدگی به آن را دارد؛

ت- قرارداد آقای منوچهر طبق مدارک پیوست، زودتر از موعد مقرر تسویه شده است و این ادعای شرکت خواهان باطل و بی اعتبار است.

۳- شرکت خواهان در پاسخ به لایحه جوابیه و مدافعات بالا، به طور خلاصه چنین پاسخ می دهد:

الف- ادعای شرکت خواننده به تمدید قرارداد از ۱۳۸۷/۴/۲۰ تا ۱۳۸۸/۴/۲۰ با این شرکت صحیح نیست و چنین قراردادی وجود ندارد؛

ب- قرارداد این شرکت با شرکت خواننده به در تاریخ ۱۳۸۷/۴/۲۰ پایان یافته است و در آن تاریخ بدهی شرکت خواننده مبلغ ۷۱/۳۳۵/۱۱۴ ریال بوده که به استناد تبصره ماده ۷ قرارداد موظف بوده است که در پایان قرارداد تسویه کند اما شرکت خواننده با وجود اخطارهای متعدد از تخلیه انبار خودداری کرده است و در پایان ۱۳۸۸/۱۱/۳۰ میزان بدهی آن شرکت به ۲۵۸/۱۶۹/۶۲۲ ریال رسیده است؛

پ- ادعای شرکت خواننده که کالای موجود در انبار فاسد شدنی بوده و اجازه حمل به خارج از انبار داده نشده، حقیقت ندارد زیرا شرکت مذکور از پذیرش فاکتورهای شرکت خواهان خودداری کرده و بر روی تعدادی از آنها یادداشت نوشته است. بنابراین، ایجاد هرگونه فساد در کالای انبار شده به علت این بوده که شرکت خواننده مفاد قرارداد را رعایت نکرده است و در نتیجه مسئولیتی متوجه شرکت خواهان نیست؛

ت- شرکت خواننده با تخلیه نکردن به موقع و نیز نپرداختن بدهی اجاره انبار موجب شده است که ۱۰/۰۰۰ متر مربع از انبار شرکت خواهان به مدت چندین ماه خالی و بدو ناستفاده مانده و مشتریان خوب این شرکت به جای دیگری نقل مکان کنند و ماهیانه مبلغ

چهارصد و پنج میلیون ریال از درآمد شرکت کاسته شود و در نهایت احقاق حق شرکت و صدور حکم تخلیه کالای موجود در انبار شماره ۳ یا انتقال آن را به یک انبار عمومی با هزینه شرکت خوانده تقاضا کرده است.

ب) تحریر محل نزاع

شرکت خواهان در دعوی خود علیه خواندگان به دو قرارداد استناد کرده است:

۱- از یک سو، به قرارداد شماره ۸۶/م/۲۳۹۷ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۰ که با شرکت خوانده منعقد شده است:

الف- به نظر میرسد که تاریخ مذکور، تاریخ ثبت قرارداد در دفتر شرکت خواهان است نه تاریخ واقعی انعقاد قرارداد زیرا ماده ۱۰ قرارداد موصوف، تاریخ تنظیم و امضاء قرارداد را ۱۳۸۶/۴/۱۰ تصریح و اعلام کرده است. مهمتر اینکه به موجب ماده ۶ همان قرارداد، مدت اعتبار قرارداد از تاریخ ۱۳۸۶/۴/۲۰ تا ۱۳۸۷/۴/۲۰ ذکر شده است؛

ب- موضوع قرارداد در ماده ۱ [اجاره] انبار کالا در فضایی به مساحت ۲۱۶ متر مربع پیش بینی شده است. بعلاوه، هزینه ماهیانه خدمات انبارداری به ازای هر متر مربع ۴۱/۰۰۰ ریال (چهارهزار و یکصد تومان) بوده است؛

پ- همین قرارداد بعداً به موجب یک الحاقیه که فاقد تاریخ است، برای یک سال دیگر یعنی از تاریخ ۱۳۸۷/۴/۲۰ تا ۱۳۸۸/۴/۲۰ تمدید می شود و تمام شرایط قرارداد سابق به اعتبار خود باقی می ماند به استثنای «هزینه ماهیانه خدمات انبارداری» که بر اساس جدول تنظیمی، در صورتی که فضای مورد استفاده ۱۰۰ تا ۵۰۰ متر مربع باشد، هزینه ماهیانه خدمات انبارداری برای یک متر مربع در سال ۱۳۸۷ به مبلغ ۴۹/۵۰۰ ریال افزایش می یابد؛

ت- الحاقیه مذکور را شرکت خواهان امضا کرده اما فاقد مهر شرکت است اما شرکت خوانده آن را مهر و امضا کرده است. شرکت خواهان طی نامه شماره ۸۷/۴/۷۴۱ مورخ ۱۳۸۷/۵/۱۶ (ظاهراً بلافاصله پس از تنظیم الحاقیه قرارداد) اخطار فسخ قرارداد را برای شرکت خواند ارسال می کند و ضمن اعلام فسخ قرارداد تقاضای تخلیه کالا و تسویه حساب می کند؛

ث- به نظر میرسد که اخطار یک ماهه فسخ قرارداد مبتنی بر ماده ۷ قرارداد بوده، که مقرر میدارد: «هریک از طرفین قرارداد می توانند با اخطار کتبی و با مهلت یک ماهه اقدام به فسخ این قرارداد پس از تسویه حساب نهایی بنمایند.» تبصره (۱) همین ماده تصریح می کند: «در صورت انفساخ قرارداد، صاحب کالا موظف است تا پایان مهلت یک ماهه تمامی کالای انبار شده نزد نگهدارنده کالا را خارج کند و در صورت تاخیر در خروج کالا موظف به تامین خسارات وارده به نگهدارنده کالا خواهد بود که به موجب مستندات مربوط عنوان خواهد شد.»

۲- از سوی دیگر، شرکت خواهان قرارداد شماره ۲۴۶۷/م/۸۶ مورخه ۸۶/۱۰/۲۴ را با خواننده دیگر (آقای منوچهر) به عنوان شخص حقیقی منعقد می کند:

الف- ظاهراً نامبرده مدیرعامل یا یکی از اعضای هیات مدیره شرکت خواننده است؛

ب- با وجود تاریخ مذکور، که به نظر می رسد تاریخ ثبت قرارداد در شرکت خواهان است، در ماده ۱۰ قرارداد موصوف، تاریخ ۱۳۸۶/۴/۱۰ به عنوان تاریخ تنظیم و امضاء قرارداد اعلام و در ماده ۶ تصریح می شود که مدت اعتبار قرارداد از ۱۳۸۶/۹/۷ تا ۱۳۸۷/۹/۷ است؛

پ- در ماده ۱ قرارداد پیش بینی شده است که موضوع قرارداد ناظر بر [اجاره] انبار کالا در فضایی به مساحت ۱۰۸ متر مربع است. اجاره ماهیانه آن نیز از قرار هر متر مربع ۴۱/۰۰۰ ریال قابل محاسبه است؛

ت- شرکت خواهان قرارداد مذکور را با شخص حقیقی (منوچهر) تمدید نکرده است حتی شرکت خواننده مدعی شده است که بدهی نامبرده تسویه شده است.

۳- شرکت خواهان در لوایح جوابیه خود تنظیم الحاقیه قرارداد را تکذیب کرده است بنابراین باید مشخص شود که در واقع الحاقیه را قبول دارد یا خیر؟ آیا در مطالبات خود افزایش ماهیانه خدمات انبارداری را بر اساس الحاقیه مورد لحاظ قرار داده یا مبنای ادعای خود را فقط همان قرارداد اولیه قرار داده است؟ کل مطالبه شرکت خواهان چقدر است؟ از کل این مطالبه چه میزان از آن مربوط به قرارداد اول با شخص حقوقی است و چه میزان مربوط به قرارداد دوم با شخص حقیقی؟ با توجه به اینکه هر دو قرارداد در یک تاریخ امضاء و تنظیم شده اند (۱۳۸۶/۴/۱۰) اما از حیثیت تاریخ ثبت در دفتر شرکت خواهان و مدت اعتبار متفاوتند، چه علتی داشته است که شرکت خواهان، قرارداد دوم را با شخص حقیقی تنظیم کند؟ شرکت خواهان در قرارداد با شرکت خواننده، موضوع قرارداد را [اجاره] انبار کالا در فضایی به مساحت ۲۱۶ متر مربع تصریح کرده است و در قرارداد با شخص حقیقی (آقای منوچهر) موضوع قرارداد [اجاره] انبار کالا در فضایی به مساحت ۱۰۸ متر مربع؛ با این وجود، شرکت خواهان در اولین درخواست خود به مرکز داوری مدعی شده است: «شرکت مذکور و آقای منوچهر با توجه به اینکه بیش از یکسال از اتمام قرارداد فی مابین میگذرد مقداری کالا در انبار شرکت دارند که فضایی بالغ بر ۱۰۸ متر مربع را اشغال کرده...». بنابراین، ضروری است به طور دقیق مشخص شود که ادعای شرکت خواهان ناظر بر کدام قرارداد است؟ و چرا شخص حقیقی و حقوقی با هم طرف دعوا قرار گرفته اند؟ افزون بر آن، درخواست شرکت خواهان باید تفکیک و میزان مطالبات و خواسته نسبت به هریک از خوانندگان جداگانه طرح و مشخص شود شرکت خواهان بابت هزینه انبارداری چه مقدار دریافت کرده است؟ از این مقدار دریافتی چه میزان را شرکت خواننده پرداخت کرده است و چه میزان را خواننده حقیقی؟ بنابراین، با توجه به اختیار حاصل از ماده بند ۴۳ (بند ب) قواعد آئین داوری مرکز داوری اتاق ایران که مقرر می دارد: «... داور می تواند برای تسهیل رسیدگی موضوعات یا سوالاتی که باید در جلسه استماع پاسخ داده

شود، تعیین و برای طرفین ارسال کند»، مجموعه ای از پرسش های بالا برای خواهان ارسال شد تا همزمان با حضور در جلسه داوری پاسخ پرسش های مطرح شده را به طور مکتوب تسلیم داور کنند.

جریان رسیدگی

۱- اولین جلسه رسیدگی در تاریخ ۱۳۸۹/۴/۳۰ تشکیل شد. هیچکدام از خواندگان در جلسه رسیدگی حاضر نشدند؛ برابر گواهی مامور ابلاغ [مرکز داوری اتاق ایران] خواندگان در نشانی اعلام شده در قراردادها شناخته نشده اند. نمایندگان شرکت خواهان ضمن حضور در جلسه، لایحه ای که متضمن پاسخ به پرسش های بالا بود، به داور تسلیم کردند؛ این لایحه با شماره ۵۷۴ مورخ ۱۳۸۹/۴/۳۰ در دبیرخانه مرکز داوری ثبت شده است و خلاصه آن به این شرح است: الف) آقای منوچهر به عنوان شخص حقیقی قبلاً تسویه حساب کرده و در نتیجه شرکت خواهان در خصوص قرارداد شماره ۸۶/م/۲۴۶۷ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۲۴ ادعایی ندارد و دعوای خواهان فقط متوجه شرکت تماس و قرارداد شماره ۸۶/م/۲۳۹۷ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۰ است؛ ب) شرکت خواهان قرارداد الحاقی را با شرکت خواننده تنظیم نکرده است؛ پ) کل مطالبه شرکت خواهان ۲۵۴/۹۷۷/۶۴۷ ریال است. علاوه بر لایحه یاد شده در بالا، داور در جلسه رسیدگی پرسش هایی را مطرح می کند که خلاصه پاسخ های شرکت خواهان به شرح زیر است:

الف) قرارداد الحاقی مورد قبول نیست زیرا توافق نهایی حاصل نشده و امضای شرکت کامل نیست و در نتیجه شرکت خواهان در محاسبه خواسته خود افزایش قرارداد الحاقی را لحاظ نکرده است؛

ب) شرکت خواننده هیچ گونه مراجعه ای به شرکت خواهان برای حمل کالا و تخلیه انبار نکرده است؛

پ) شرکت خواهان تصدیق می کند که خروج کالا را منوط به تصفیه حساب کامل کرده است زیرا به استناد ماده ۷ تبصره ۳ قرارداد، شرکت خواننده موظف بوده است که ابتدا با شرکت خواهان تصفیه کند.

۲- باتوجه به عدم آگاهی و عدم حضور شرکت خواننده در جلسه داوری به لحاظ عدم امکان ابلاغ در اقامتگاه اعلامی، داور از جهت رعایت حق دفاع و اصل ترافع و به تجویز ماده ۱۸ (بند ث) قواعد و آئین داوری اتاق بازرگانی مقرر می کند که لایحه شرکت خواهان و صورتجلسه مورخ ۱۳۸۹/۴/۳۰ از طریق پست الکترونیک شرکت خواننده برای وی ارسال شود. سپس شرکت خواننده طی تماس تلفنی با دبیرخانه مرکز داوری اعلام می دارد که از طریق پست الکترونیک، تازه از جریان رسیدگی داوری مطلع شده است و خواستار تشکیل جلسه رسیدگی می شود؛ همچنین طی لایحه ای که با شماره ۶۹۲ مورخ ۱۳۸۹/۵/۲۶ در دبیرخانه مرکز داوری به طور خلاصه به شرح زیر پاسخ می دهد:

الف- قرارداد الحاقی با شرکت خواهان رسمی و قانونی بوده است چنانکه قرارداد الحاقی شماره ۸۵/۰۶۸۵ ب مورخ ۱۳۸۵/۴/۱۷ با شرکت خواهان دارای امضاء اما فاقد مهر شرکت بوده است به علاوه شرکت خواهان تا سه ماه پس از امضاء قرارداد الحاقی، هزینه های مربوط را دریافت کرده است؛

ب- برخلاف ادعای شرکت خواهان در صورتجلسه مورخ ۱۳۸۹/۴/۳۰ که افزایش مبلغ خدمات انبارداری بر اساس الحاقیه موصوف محاسبه نگردیده است، صورت حساب های موجود که تصویر آنها به داور تسلیم شده است، به ویژه صورت حساب شماره ۰۰۱۲ مورخ ۱۳۸۷/۷/۳۰ تسویه شده است؛

پ- در آبان ۱۳۸۷ فضای مورد اجاره (۲۱۶ متر مربع) کاملاً تخلیه و تنها ۱۷ تن مواد اولیه باقی مانده که آن هم به علت ممانعت شرکت خواهان بوده است.

۳- با توجه به ضرورت تشکیل جلسه داوری به استناد ماده ۴۳ (بند ب)، طرفین برای جلسه مورخ ۱۳۸۹/۶/۱۴ دعوت می شوند. خواهان با وجود ابلاغ وقت رسیدگی در جلسه رسیدگی حاضر نمی شود اما نمایندگان شرکت خواننده حضور پیدا می کنند. در جلسه رسیدگی ابتدا داور منتخب علت عدم امکان ابلاغ اوراق و اخطاریه ها در اقامتگاه خواننده به نشانی ... و عدم پاسخگویی به اوراق و اخطاریه ها به مرکز داوری را جویا می شود. شرکت خواننده علت آن را تخلیه محل استیجاری مذکور و انتقال شرکت به محل جدید به نشانی ... اعلام می کند؛ داور منتخب به شرح صورتجلسه مورخ ۱۳۸۹/۶/۱۴ پرسش هایی را مطرح می کند که پاسخ های شرکت خواننده به طور خلاصه به شرح زیر است:

الف- کالا داری آنالیز شیمیایی خاص بوده و کاربرد اصلی آن از بین رفته و دیگر قابل فن آوری نیست؛

ب- شرکت خواهان طلبی نداشته است که ادعای بستانکاری یا تسویه حساب داشته باشد و نامه شماره ۸۷/۱۰۰۲/م مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۹ صراحت دارد که شرکت خواهان از خروج کالا ممانعت می کند؛

پ- شرکت خواننده برای تخلیه کالا از شرکت باربری درخواست حمل کالا را کرد اما شرکت خواهان از تحویل کالا به باربری خودداری کرده است و در این خصوص مدارکی در سوابق باربری موجود است که ظرف یک هفته مدارک از شرکت حمل و نقل اخذ و ارائه می شود. سپس، شرکت خواننده در مدت مقرر طی نامه ای که با شماره ۷۸۴ مورخ ۱۳۸۹/۶/۱۷ در دبیرخانه مرکز داوری ثبت شده است اعلام می دارد با توجه به ممانعت از خروج کالا و در نتیجه عدم بارگیری، هیچگونه سوابقی در دفاتر باربری وجود ندارد اما تصویر حواله خروج به شماره ۷۵۵۷ مورخ ۱۳۸۷/۹/۵ و حاشیه نویسی سه برگ تصویر قبض رسید شرکت خواهان مثبت ممانعت شرکت خواهان از خروج کالا است.

۴- با توجه به عدم حضور شرکت خواهان در جلسه مورخ ۱۳۸۹/۶/۱۴ و در نتیجه عدم آگاهی از مفاد پاسخ و ادعاهای معارض شرکت خواننده و ضرورت رعایت حق دفاع و ترافع، مقرر می شود که لوایح اخیر شرکت خواننده و منضمات آن به علاوه صورت جلسه مذکور برای شرکت خواهان ارسال شود تا اگر پاسخی به ادعاهای خواننده دارند، ظرف مدت یک هفته به مرکز داوری تسلیم کنند. شرکت خواهان طی لایحه ای که به شماره ۸۶۹ مورخ ۱۳۸۹/۷/۱۳ در دبیرخانه مرکز داوری ثبت شده است، صرفاً اعلام کرده است که ادعای شرکت خواننده کذب بوده و از سال ۱۳۸۷ تا کنون ۱۷ تن از کالای شرکت خواننده در انبارهای شرکت خواهان بوده و آن شرکت هیچگونه اقدامی برای پرداخت انبارداری و تخلیه کالا انجام نداده و به نامه های شرکت جوابی نداده و حتی هیچ مذاکره ای هم با شرکت خواهان نکرده است.

رای داور

داور با در نظر گرفتن پروردگار بزرگ، وجدان سلیم و قناعت وجدانی ناشی از اسناد و مدارک، لوایح طرفین و به ویژه پرسش و پاسخ از طرفین و با اعلام ختم رسیدگی رای خود را به شرح زیر اعلام می کند:

۱- نظر به اینکه رویه سابق در روابط تجاری دو شرکت نشان می هد که شرکت خواهان قبلاً نیز الحاقیه های قرارداد را بدون مهر شرکت قابل اجرا می دانسته است؛ چنانچه الحاقیه شماره ۸۵/۰۶۸۵ مورخ ۱۳۸۵/۴/۱۷ نیز واجد امضا اما فاقد مهر شرکت است؛ نظر به اینکه الحاقیه قرارداد فقط متضمن افزایش در هزینه های ماهیانه خدمات انبارداری از قرار ماهیانه ۴۱۰۰۰ ریال به ۴۹۵۰۰ ریال است و در صورت حساب هایی که شرکت خواهان برای شرکت خواننده نیز ارسال کرده است، این افزایش هزینه تصریح شده است. بنابراین، با وجود اینکه شرکت خواهان الحاقیه قرارداد را تکذیب کرده است، از نظر داور الحاقیه قرارداد بین طرفین صحیح، قانونی و لازم الاجرا است.

۲- نظر به اینکه مطابق ماده ۷ (تبصره ۳) قرارداد شماره ۲۳۹۷/م/۸۶ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۰ «در صورت فسخ و یا خاتمه قرارداد صاحب کالا موظف به تسویه حساب نهایی با نگهدارنده کالا است در غیر این صورت نگهدارنده کالا می تواند مطالبات خود را از طریق مراجع صالحه با نظر کارشناس رسمی دادگستری به هزینه صاحب کالا وصول نماید.»؛ نظر به اینکه متن قرارداد را شرکت خواهان تنظیم کرده است و در صورت ابهام، عبارات قراردادی باید به زبان انشاء کننده قرارداد تفسیر شود؛ نظر به اینکه مستفاد از ماده یاد شده این است که اگرچه شرکت خواننده مکلف به تسویه حساب کالای انبار شده است اما در صورت تخلف از این تکلیف قراردادی، شرکت خواهان فقط حق دارد «خسارات» ناشی از تخلف خواننده را از طریق مراجع قانونی و با جلب نظر کارشناس مطالبه کند، نه آنکه کالای شرکت خواننده را در برابر تسویه حساب خود حبس کند و مانع از خروج آن از انبار شود. بنابراین، اقدام شرکت خواهان در ممانعت شرکت خواننده از خروج کالا و تحمیل دو برابر هزینه های انبارداری بر خلاف مفاد قرارداد طرفین نیست.

۳- نظر به اینکه شرکت خواهان در نامه شماره ۸۷/۲/۱۰۰۲ مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۹ به شرکت خواننده تصریح کرد است: «... چنانچه ظرف ۱۰ روز از ابلاغ این نامه نسبت به تخلیه کالای متعلق به آن شرکت اقدامی نشود، پس از پایان مهلت ده روزه ضمن جلوگیری از خروج کالا، مبلغ قرارداد نیز دو برابر رقم فعلی محاسبه و ... وصول خواهد شد.» نظر به اینکه شرکت خواننده طی نامه شماره ۷۵۵۷ مورخ ۱۳۸۷/۹/۵ از شرکت خواهان درخواست کرده است: «... مقرر فرمایید مقدار ۱۷ تن کربن ریزر در خودروی شماره ۳۳۴ع۱۳۳ ایران ۳۳ بارگیری و به مقصد حمل گردد.» و عبارتی نظیر «به علت ممانعت از خروج بارگیری نشد» و «۴۰۰۰۰۰۰ ریال هزینه برگشت کامیون را پرداخت نمایید» در هاشم این نامه و در نهایت وجود یک فقره قبض پرداخت صندوق به شماره ۰۹۹۶ مورخ ۱۳۸۷/۹/۶ بابت «هزینه بازگشت کامیون ۳۳۴ع۱۳۳ ایران ۳۳» جملگی قرائن و امارات حاکی از ممانعت شرکت خواهان از خروج کالای شرکت خواننده است؛ نظر به اینکه نماینده شرکت خواهان در نخستین جلسه داوری به شرح صورت جلسه مورخ ۱۳۸۹/۴/۳۰ با این عبارت که: «در پایان قرارداد شرکت مبلغ ۷۱۳۳۵۱۱۴ ریال برابر دفاتر قانونی شرکت بدهکار بودند. تصدیق می کنم که خارج کردن کالا را منوط به تصفیه حساب کامل کردم...»، ممانعت از خروج کالای شرکت خواننده را با صراحت تایید کرده و در نتیجه، عدم تخلیه و خروج کالا مستند به فعل خود شرکت خواهان بوده است. بنابراین، از نظر داور شرکت خواهان حداکثر تا تاریخ ۱۳۸۷/۹/۵ مستحق دریافت هزینه انبارداری است و چون شرکت خواهان خود اقدام به زیان خود کرده است، از آن تاریخ به بعد مستحق دریافت هزینه های انبارداری نیست.

۴- نظر به اینکه شرکت خواننده مکلف بوده است از یک طرف تا قبل از تاریخ ۱۳۸۷/۴/۲۰ به موجب قرارداد شماره ۸۶/م/۲۳۹۷ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۰ ماهیانه از قرار هر متر مربع فضای انبار مبلغ ۴۱۰۰۰ ریال پرداخت کند و از طرف دیگر به موجب الحاقیه قرارداد طرفین توافق کرده اند که از ۱۳۸۷/۴/۲۰ تا ۱۳۸۸/۴/۲۰ از قرار هر متر مربع ماهیانه مبلغ ۴۹۵۰۰ ریال پرداخت کند. نظر به اینکه با توجه به قرارداد طرفین، اشتغال شرکت خواننده به پرداخت هزینه های انبارداری یقینی است و اشتغال یقینی، برائت یقینی می خواهد و از اسناد و مدارکی که شرکت خواننده برای برائت ذمه خود به داور منتخب تسلیم کرده است، از جمله نامه شماره ۷۴۴۰ مورخ ۱۳۸۷/۴/۱۲، چنین استنباط می شود که شرکت خواننده به طور یقینی تا ۱۳۸۶/۱۱/۳۰ بدهی خود را از بابت هزینه انبارداری تسویه کرده است و آنچه باید مورد محاسبه قرار بگیرد از تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۱ لغایت ۱۳۸۷/۹/۵ (زمان اقدام خواننده به حمل و ممانعت خواهان) است که به شرح زیر محاسبه می شود:

هزینه های انبارداری (به ریال) از ۸۶/۱۲/۱ تا ۸۷/۴/۱۹:

$$216 \times 41000 = 8856000 \times 4 = 35424000 + 5904000 = 41328000$$

هزینه های انبارداری (به ریال) از ۸۷/۴/۲۰ تا ۸۷/۹/۵:

$$216 \times 49500 = 10692000 \times 4 = 42768000 + 5346000 = 48114000$$

مجموع مطالبه شرکت خواهان از بابت هزینه انبارداری از ۸۶/۱۲/۱ تا ۸۷/۹/۵:

$$۴۱/۳۲۸/۰۰۰+۴۸/۱۱۴/۰۰۰=۸۹/۴۴۲/۰۰۰$$

اما، نظر به اینکه شرکت خواننده فقط به دو فقره چک برای برائت ذمه خود استناد کرده است که اولی چک شماره ۴۲۴۴۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۶/۴ بانک سرمایه به مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال در وجه انبار پارس و دیگری چک شماره ۸۷۷۲۲۳ مورخ ۱۳۸۷/۷/۲۵ بانک صادرات به مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال در وجه شرکت خواهان است، بنابراین مبلغ ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال از طلب خواهان یعنی ۸۹/۴۴۲/۰۰۰ ریال باید کسر گردد:

$$۸۹/۴۴۲/۰۰۰-۴۰/۰۰۰/۰۰۰=۴۹/۴۴۲/۰۰۰$$

بنابراین، با توجه به مراتب بالا، شرکت خواننده به پرداخت مبلغ ۴۹/۴۴۲/۰۰۰ ریال بابت هزینه های انبارداری محکوم می شود و در خصوص خواسته دیگر شرکت خواهان، یعنی تخلیه کالا از انبار، با توجه به تصدیق و پذیرش شرکت خواننده به فساد کالا و عدم امکان استفاده از آن، شرکت خواهان مجاز است آن را از انبار خارج، ازاله و با رعایت مقررات قانونی دفع کند. همچنین، از باب قاعده تسبیب، شرکت خواننده به پرداخت مبلغ ۴/۲۹۹/۷۷۶ ریال بابت هزینه های داوری و مبلغ ۲/۲۴۰/۸۸۸ ریال بابت هزینه های اداری مرکز داوری اتاق ایران محکوم می شود. ضمناً، دعوای شرکت خواهان علیه خواننده ردیف دوم (آقای منوچهر) با توجه به لایحه شماره ۸۹/م/۴۱۰ مورخ ۱۳۸۹/۴/۲۹ شرکت خواهان و استرداد دعوا علیه مشارالیه، قرار رد دعوا صادر می گردد. در خصوص ادعاهای مذکور دعوای مستقلى محسوب می شوند و مستلزم ثبت درخواست، رعایت تشریفات و پرداخت هزینه های مربوطه است و با توجه به عدم ثبت آن در مهلت مقرر، داور منتخب فارغ از رسیدگی توامان است. رای صادره مطابق ماده ۵۴ (بند الف) قواعد و آئین داوری اتاق ایران قطعی و پس از ابلاغ لازم الاجراست.

داور پرونده

دکتر مجید پوراستاد

منبع: کتاب گزیده آرای مرکز داوری اتاق ایران جلد دوم ۱۳۸۸-۱۳۹۰ - چاپ ۱۳۹۳ نشر موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش